

ناگفته‌های روماریوی ایران

از ۱۴ سال زندان

گفت و گوبا «علی اکبریان»، بازیکن تکنیکی سابق تیم‌های استقلال و پرسپولیس که ۲ بار به خاطر حمل مواد به حبس ابد و ۲۰ سال زندان محکوم شده بود اما چند ماهی است که با قید وثیقه آزاد است

مجید حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

داستان زندگی بعضی افراد بیش از آن چیزی که به ذهن انسان خطور می کند، عجیب و غریب است! یکی از آن‌ها که اتفاقا معروف هم هست، «علی اکبریان» است. مهاجم خوش تیپ، ریزنقش و محبوب دهه ۷۰ آبی‌های تهران که هواداران استقلال به او لقب روماریوی ایران داده بودند، در سال ۸۹ به جرم حمل مواد مخدر دستگیر شد. حکم اولیه دادگاه برای او، اعدام بود اما بعد از مدتی این مجازات به حبس ابد تقلیل یافت. شاید باورش سخت باشد اما «اکبریان»، یک بار دیگر هم سال ۱۳۹۶ زمانی که برای مرخصی از زندان بیرون آمده بود، دوباره با مواد دستگیر و ۲۰ سال به زندان و محکومیت او اضافه شد! حالا چند ماهی می‌شود که او از زندان با قید وثیقه بیرون آمده و اهداف جالبی هم برای آینده‌اش در سر دارد. او چند روز پیش، بعد از ۱۴ سال که در زندان گذرانده بود، برای اولین بار به ورزشگاه رفت و تصاویر حضورش در بین تماشاگران و کنار مستطیل سبز پربازدید شد. در پرونده امروز زندگی سلام به سراغ او رفتیم تا برای ما جزئیات بیشتری از ماجرای تلخ اعتیادش، دستگیر شدن با مواد، روزهایی که در زندان گذرانده و... بگوید.



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

شنبه • اول اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۱ شوال ۱۴۴۵ • ۲۰ آوریل ۲۰۲۴

شماره ۳۱۴۷۱

۲۶۹۰

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

سلامت بدن با سلامت کبد

۷ متهم طلاق بعد از ۲۰ سال زندگی

خطای شناختی در اعتماد به اتفاق‌های تازه

امیرضار فیعی دروازه بان جوان پرسپولیس

به اولین دروازه بان در لیگ برتر تبدیل شد

که طی ۴ بازی اولش کلین شیت کرده

بازیکنی که هواداران نگران حضور او در ترکیب تیم بودند

طنز | عجایب عجیب تاکسی‌های اینترنتی

هر ۲ بار مواد مال من نبود

و گردن گرفته بودم

از اکبریان درباره ماجرای دوبار دستگیر شدنش به خاطر حمل مواد می‌پرسم و این که چطور در زمان مرخصی، دوباره به جرم حمل مواد دستگیر شده است؟ او می‌گوید: «اول این را بگویم که هر دو بار مواد مخدر مال من نبود و گردن گرفتم. اولین دستگیری ام مربوط به زمانی بود که من ۳ ماه معتاد شده بودم. یک حبس ابد به من خورد. البته خودم خواسته بودم و مقصر خودم بودم که با رفیق‌های ناباب گشتم و رفیق‌های فوتبالی ام را کنار گذاشتم. وقتی از خط ورزش رفتم کنار، این طرف و آن طرف رفتم و تا به خودم آمدم دیدم که کار از کار گذشته است. دستگیری اولم مربوط به این بود که در یک جایی بودیم، حدود ۴۰ گرم مواد پیدا شد. اطرافیان گفتند که تو گردن بگیری و چون مشهور هستی و تورا می‌شناسند، زود آزاد می‌شوی. من هم که خبر نداشتم حمل ۳۰ گرم مواد به بالا اعدام دارد، گردن گرفتم و بعدها فهمیدم که چه اشتباهی کردم. دفعه دوم هم که در مرخصی بودم، با ماشین یکی از آشنایان قرار شد من را به کرج ببرد. من خبر نداشتم که در ماشینش ۲۸ گرم شیشه دارد چون شیشه مصرف می‌کرد. آن‌جا هم اتفاقی عجیبی افتاد. ماشین مان پنجر شد، آمدم پنجری ماشین را بگیرم، ماشین پلیس آمد که به ما کمک کند اما یک‌هوا به آشنای من شک کرد و بعدش هم ماشین را گشت و از داشبور، شیشه‌ها را پیدا کرد. بعدش این آشنای ما که سنش هم بالا بود، شروع کرد به گریه کردن. گفتم این یک روز برود در بازداشتگاه که می‌میرد و همه می‌گویند که علی اکبریان خودش در زندان بود، پای این بنده خدا را هم به زندان باز کرد! بنابراین مجبور شدم گردن بگیرم. اگر فرد دیگری بود، به من ربطی نداشت اما چون آشنا بود، گردن گرفتم و ۲۰ سال به محکومیتم در زندان اضافه شد. اما خوشبختانه در این سال‌ها، عفو خوردم که حبس ابدم بخشیده شد. از این ۲۰ سال هم بعد از گذشت ۱۰ سال، عفو خوردم. الان رای باز هستم و اگر به امید خدایک عفو دیگر بخورم، لازم نیست برگردم زندان. الان تقریباً ۶ سال از زندانم مانده و باسند بیرون هستم. قول‌هایی دادند اگر تیم گرفت و رفتم سر کار، ببیند پیشرفت کردم، روی پرونده‌ام تأثیر مثبت خواهد داشت.»

دیگر فرصتی برای اشتباه

ندارم

از اکبریان می‌پرسم که آیا این امکان وجود دارد که دوباره سمت آن رفیق‌های ناباب قدیمی برود که می‌گوید: «اصلاً و ابداً. کلاً دیگر سمت کسی که اسمش خراب است، دنبال مواد است و... نخواهم رفت. الان خوشبختانه کلاً از خانه بیرون نمی‌روم. نهایتاً یک تمرینی برای بازی تماشای فوتبال بروم که آن هم سوار ماشین می‌شوم، می‌روم آن‌جا و مستقیم برمی‌گردم به خانه. اصلاً دیگر آن دوران که با این رفیق‌ها و با آن یکی‌ها، تمام شد چون من دیگر فرصتی برای اشتباه ندارم که بتوانم جبران کنم. خدا بعد از ۱۴ سال یک فرصتی برام گذاشته، امیدوارم بتوانم یک زندگی سالم و با آرامش را برای خودم بسازم تا بتوانم نهایت استفاده را از آن ببرم.»



تقریباً همه فوتبال‌ها را

در زندان

تماشا می‌کردم

از «اکبریان» می‌پرسم که در زندان، بیشتر وقت‌هایش را به چه کارهایی اختصاص می‌داده است که می‌گوید: «تا می‌توانستم کتاب می‌خواندم. در کتابخانه زندان، هر کتابی را که درباره فوتبال بود خواندم. علاوه بر این، تقریباً همه فوتبال‌ها را در زندان نگاه می‌کردم. شاید تنها سرگرمی من در زندان، تماشای فوتبال از تلویزیون بود. البته الان امیدوارم زمانی که برای تماشای این بازی‌ها و تحلیل‌هایشان اختصاص دادم، به دردم بخورد. در فکر من خیلی چیزها هست که می‌خواهم خودم را و دانشم را به دیگران و فوتبالی‌ام را به زودی به همگان ثابت کنم. من الان هر بازی فوتبال ایران را که می‌بینم، نگاه می‌توانم ۵ تا ۱۰ دقیقه از سیستم و نحوه بازی دو تیم بگیرم. من نمی‌دانم بعضی از مربی‌های ما چطور با بازیکنان صحبت می‌کنند یا آن‌ها را تمرین می‌دهند که ۴ تا پاس سالم نمی‌توانند به یکدیگر بدهند.»



استقلال و نه پرسپولیس و نه فدراسیون، یک دانه یک تومانی هم به من کمک نکردند. اما من می‌خواهم هر طور شده گذشته‌ام را اصلاح کنم و خیلی امیدوار به آینده هستم.»

نگذاشتم ۱۴ سال از عمرم

در زندان هدر بروم

حدود ۱۴ سال پشت میله‌های زندان بودن، فقط ظاهر و قیافه «اکبریان» را تغییر نداده است. از او می‌پرسم که این سال‌ها چطور برای او گذشته است، می‌گوید: «به هر حال انسان با امید زنده است. من آن روزها را به امید دیدن دوباره دخترم، به امید این که دوباره به فوتبال برگردم و... گذراندم و صبح و شب‌های زیادی را صبر کردم. من در زندان تیم داشتم، گل کوچک بازی می‌کردم و... یعنی وقت‌م را در زندان هدر ندادم که بیهوده بگذرد. در زندان برای خودم برنامه داشتم و امیدوار بودم که یک‌روزی آزاد خواهم شد.»

چندین دفتر در زندان

از تحلیل‌های فوتبالی‌ام پُر کردم

به این بازیکن تکنیکی دهه هفتاد می‌گویم که ظاهر خیلی به مربی شدن و موفقیت در آن امید دارید که این طور پاسخ می‌دهد: «به امید خدا، اولین قدمی که می‌خواهم بردارم، همین مربیگری است. برایم فرقی هم نمی‌کند که کمک مربی شوم یا سرمربی، فقط می‌خواهم از یک جایی شروع کنم. چون من در وجود خودم می‌بینم که در یک، ۲ یا نهایتاً ۳ سال در مربیگری خیلی پیشرفت کنم چون فوتبال را می‌شناسم و انگیزه زیادی دارم. الان این دانش را دارم که بازیکنان تیمم، از دقیقه ۷۰ به بعد، بتوانند ۴ تا گل به هر حریفی بزنند. همان طور که گفتم در زندان، همه بازی‌های ایرانی و خارجی که تلویزیون نشان می‌داد و شرایطش را داشتم، نگاه می‌کردم چون همه‌شان به دردم می‌خوردند. من به خاطر یادگیری و یادداشت برداری نکات فنی، بازی‌ها را تماشای می‌کردم و همه ایرادهای تیم‌ها را می‌نوشتم. مثلاً در زن‌زیر توپ، فقط ساتر بلند کردن برای استفاده از شلوغی محوطه جریمه و این جور کارها، اصلاً فوتبال نیست. من در آن مدت،



چندین دفتر از همین تحلیل‌های فوتبالی پر کردم که در آینده، قطعاً به درد من خواهد خورد. الان دنبال کلاس‌های مربیگری هم رفتم. مدرک C می‌خواهم به زودی بگیرم. منتظر شروع کلاس‌ها هستم. آقای ماجدی، عضو هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال به من قول دادند که برای حضور در کلاس‌های مربیگری، حتماً به من خبر بدهند.»

«امیر قلعه‌نویی» ماهانه به من کمک مالی می‌کرد

از او می‌پرسم آیا زمانی که در زندان بود، فوتبالی‌ها به او سر می‌زدند و از او خبری می‌گرفتند یا نه که می‌گوید: «در این سال‌ها که زندان بودم، بیشتر بچه‌های قدیم تیم که همبازی من بودند، حواس‌شان به من بود و حتی از لحاظ مالی هم به من کمک می‌کردند. مثلاً آقای بهزاد غلامپور، جواد زینچه و... خیلی زحمت می‌کشیدند. «امیر قلعه‌نویی» ماهانه به من کمک مالی می‌کرد. افراد دیگر هم بودند. با این حال، وقتی در زندان بودم و مثلاً زمانی که مشغول تماشای یک بازی بودم، بارها پیش می‌آمد که با خودم می‌گفتم که اگر بیرون بودم، چه قدر می‌توانستم به فوتبال و افزایش کیفیت آن کمک کنم. من

بیکارم و برادر ام از انگلیس برایم پول می‌فرستد

از «اکبریان» که تقریباً تیر ماه امسال با قید وثیقه از زندان آزاد شده است، می‌پرسم که الان شرایط مالی‌اش چطور است که می‌گوید: «راستش را بخواهید، الان که نه شغلی دارم و نه درآمدی. برادر ام انگلیس است و از آن‌جا برام پول می‌فرستد. در این ۶ ماه، نه باشگاه

هیجان بازی‌های قدیم

خیلی بیشتر بود

به عنوان اولین سوال، درباره حضورش بعد از ۱۴ سال در ورزشگاه آزادی می‌پرسم؛ جایی که سال‌ها برای تیم محبوب پایتخت یعنی استقلال و پرسپولیس توپ زده بود. او درباره این که حال و هوای بازی‌ها و تماشاگران چه تغییری کرده، می‌گوید: «بعد از این همه سال که دیگر ورزشگاه نرفته بودم، استادیوم از لحاظ ساختاری تغییرات زیادی کرده بود. امکانات و کیفیت زمین و چمنش نسبت به آن سال‌ها خیلی بهتر شده بود. دلم برای تماشای فوتبال از نزدیک خیلی تنگ شده بود. اتفاقاً روز خوبی هم برام شد و در کنار طرفداران استقلال بازی را تماشا کردم و خوش گذشت. درباره حال و هوای تماشاگرها باید بگویم که آن موقع هیجان بازی‌های خیلی بیشتر بود و تماشاگرها هم لذت بیشتری از تماشای بازی می‌بردند. چون آن زمان در فوتبال، پولی وجود نداشت و همه با جان و دل در زمین می‌دویدند. الان بیشتر بازیکنان به فکر مادیات و قرار داد هستند و این که چطور بازی کنند تا آسیب نبینند. همه این‌ها باعث شده که کیفیت بازی‌ها پایین بیاید و هیجان گذشته را نداشته باشد. آن زمان برای من اصلاً فرقی نمی‌کرد که بازی کنم یا آسیب ببینم چون پول زیادی نمی‌گرفتم که بعدش ناراحت شوم که سال بعد قرار دادم کمتر خواهد شد. الان نمی‌گویم بازیکنان برای تماشاگرها بازی نمی‌کنند، شاید ۵۰ درصد به خاطر تماشاگر تلاش بیشتری برای بازی بهتر بکنند اما بازیکنان آن زمان، ۱۰۰ درصد به خاطر تماشاگرها و تشویق شدن روی سکوها با دل و جان بازی می‌کردند.»



نمی‌دانم چرا مهاجم‌های امروزی

عطش گلزنی ندارند؟

روماریوی ایران که زمان حضور در استقلال تهران، یکی از زهردارترین مهاجم‌ها به شما می‌رفت درباره کیفیت فوتبال و به طور دقیق‌تر، مهاجم‌های امروزی می‌گوید: «من چون خودم فوروارد بودم، الان وقتی موقعیت‌هایی را می‌بینم که برای مهاجمان به دست می‌آید و به سادگی از دست می‌دهند، تعجب می‌کنم. این جور مواقع به یاد آن صحنه‌هایی می‌افتم که بچه‌ها به من پاس می‌دادند و با تمرکز و دقت بالا، می‌زدند توی دروازه و توپ را به تور می‌چسباندند. آن موقع فکر می‌کردم که فقط یک راه پیش روی من است و آن هم گلزنی است. نمی‌دانم چرا مهاجم‌های امروزی عطش گلزنی ندارند! آن روزها، ما مدام حمله می‌کردیم و موقعیت گل زیاد داشتیم اما متأسفانه الان من ماندم که چطور تیم‌های ما این قدر کم موقعیت‌سازی روی دروازه حریف دارند.»

